

نقد و تحلیل رویکردهای حج امام حسین (ع)

ابراهیم ابراهیمی*

استادیار دانشگاه اراک

(تاریخ دریافت مقاله: 1387/4/12 - تاریخ پذیرش نهایی: 1388/1/31)

چکیده

برای برخی از تاریخ‌نویسان و سیره‌نویسان مسلم است که امام حسین (ع) حج خود را به عمره مفرده تبدیل کرده و مکه را به سوی عراق ترک کردند و این نظریه به عنوان نظریه‌ای مشهور میان آنان متداول شده است. در این جستار، برای بررسی این مسأله، به روایات وارده در جوامع روایی پرداخته شده است؛ از تتبع در نقل‌های تاریخی و از استناد به روایات صحیح این نتیجه حاصل می‌آید که امام حسین (ع) با عمره مفرده وارد مکه شده و با عمره مفرده ماه ذی الحجّه از مکه خارج گردیده اند. آن حضرت، از میقات شجره یا میقات‌های دیگر، محرم به احرام عمره تمتع نشده بود تا برای خروج از احرام، نیت حج یا عمره تمتع خود را از باب حکم مصدود، به عمره مفرده مبدل ساخته باشند.

کلیدواژه‌ها حج، عمره، تبدیل، مصدود، جوامع روایی، قاعده فقهی، امام حسین (ع).

طرح مسأله

بعضی از تاریخ‌نویسان و سیره‌نویسان، به نقل از منابع تاریخی، می‌گویند: امام حسین (ع) در جریان حادثه کربلا، حج خود را ناتمام گذاشت؛ یا به عبارت دیگر حج تمتع خود را به عمره مفرده تبدیل و در روز ترویبه که حاجیان عازم منا و عرفات می‌شوند، مکه را به سوی عراق ترک کردند (نک: مفید، 66/1، طبرسی، 44/1) و این نظریه به عنوان یک

12 رأی مسلم در میان آنان پذیرفته شده، به گونه‌ای که از شهرت تاریخی برخوردار گردیده است.

مسئله اصلی در این پژوهش این است که آیا حج امام حسین (ع) در سال شصت هجری حج تمتع بوده و ایشان آن را به عمره مفرده تبدیل نموده است؟ آیا آن حضرت در روز ترویبه محرم به حج شده و آن را ناتمام گذاشته است؟ یا اینکه امام (ع) از ابتدا محرم به عمره تمتع نشده بودند تا اینکه بخواهند آن را به عمره مفرده تبدیل نمایند یا ناتمام بگذارند؟

ثمره عملی مترتب بر این پژوهش، این است که عمل امام (ع) به عنوان یک سنت عملی، قاعده‌ای فقهی است که اگر قول شهرت یافته را بپذیریم، فقهاء می‌توانند در فتوای خود به آن استناد کنند که ظاهراً تاکنون دیده نشده است فقیهی بدان استناد کرده باشد.

قول مشهور

1- دیدگاه شیخ مفید (م 413 ه.ق) در کتاب *الارشاد* چنین است که امام حسین (ع) به سبب ترسی که از دشمن داشت، نتوانست حج را بجا بیاورد و نیت خود را به عمره مفرده تبدیل کرد و پس از اتمام اعمال عمره، مکه را به سوی عراق ترک کرد. وی در این باره می‌نویسد: «لما أراد الحسين (ع) التوجه إلى العراق، طاف بالبيت و سعى بين الصفا والمروة، وأحل من إحرامه وجعلها عمرة، لانه لم يتمكن من تمام الحج مخافة أن يقبض عليه بمكة فينفذ إلى يزيد بن معاوية، فخرج (ع) مبادراً بأهله وولده و من انضم إليه من شيعته» (مفید، 66/2). یعنی: «وقتی امام حسین (ع) تصمیم گرفت به عراق برود، خانه خدا را طواف کرد و بین صفا و مروه سعی نمود و از احرام خود خارج شد و آن را عمره قرار داد (تبدیل نیت به عمره مفرده) زیرا با دستگیر شدن در بین مناسک، نمی‌توانست اعمال حج را به پایان برساند؛ چون می‌خواستند او را دستگیر کنند و نزد یزید بن معاویه ببرند. از این روی امام (ع) با خانواده خود و شیعیان همراهش، از مکه خارج شدند.»

از کلمه «من تمام الحج» در نقل شیخ مفید، فهمیده می‌شود که به نظر او، امام (ع) محرم به احرام حج شده بود و نیت خود را به عمره مفرده تبدیل کردند.

2- محمد بن احمد بن علی الفتال النیشابوری (م 508 ق) که رئیس نیشابور او را به شهادت رساند (نک: خوئی، معجم رجال الحدیث، 16/15) گفتاری مانند گفتار شیخ مفید، در کتاب خود نقل کرده است (فتال نیشابوری، روضه الواعظین، 177).

3- شیخ طبرسی (م 548 ق)، علت تبدیل احرام امام (ع) به عمره مفرده را این گونه بیان می‌کند: «لأنه لم يتمكن من تمام الحج مخافة أن يقبض عليه بمكة فينفذ إلى يزيد بن معاوية» (طبرسی، 445/1) یعنی: «زیرا با دستگیر شدن در بین مناسک، نمی‌توانست اعمال حج را به پایان برساند؛ چون می‌خواستند او را دستگیر کنند و نزد یزید بن معاویه ببرند.»

از کلمه «من تمام الحج» در نقل طبرسی نیز فهمیده می‌شود که به باور او، امام (ع) محرم به احرام حج شده بود و نیت خود را به عمره مفرده تبدیل کردند.

4- علامه سید مرتضی عسکری، از ابن کثیر (م 774 ق) نقل می‌کند: «ثم طاف الحسين بالبیت وبين الصفا والمروة وقص من شعره وأحل من احرامه وجعلها عمرة (عسکری، 57/3؛ ابن کثیر، 166/8).

از کلمه «وجعلها عمرة» در نقل ابن کثیر، فهمیده می‌شود که امام (ع) نیت احرام حج را به عمره مفرده تبدیل کرده‌اند.

5- علامه مجلسی (م 1111 ق) قول شیخ مفید را پذیرفته است و به نقل از کتب معتبر می‌نویسد: «أن يزيد أنفذ عمرو بن سعيد بن العاص في عسكر عظيم وولاه أمر الموسم وأمره علي الحاج كلهم، وكان قد أوصاه بقبض الحسين (ع) سراً و إن لم يتمكن منه بقتله غيلة، ثم إنه دس مع الحاج في تلك السنة ثلاثين رجلاً من شياطين بني امية، وأمرهم بقتل الحسين (ع) علي أي حال اتفق، فلما علم الحسين (ع) بذلك، حل من إحرام الحج، وجعلها عمرة مفردة» (مجلسی، 99/45).

مضمون این نقل چنین است که یزید، عمرو بن سعید بن العاص را با لشکری عظیم به امارت حج گمارد و از او خواست که امام حسین (ع) را دستگیر کند و اگر نتوانست، او را به قتل برساند و سی نفر از شیاطین بنی امیه را در میان حاجیان قرار داد و آنان را مامور کرد که به هر شکل ممکن، آن حضرت را به قتل برسانند. وقتی امام حسین (ع) از این توطئه آگاه شد، از احرام حج خارج شد و آن را عمره مفرده قرار داد.

14

از عبارت «حل من إحرام الحج، وجعلها عمرة مفردة» در نقل علامه مجلسی فهمیده می‌شود که امام (ع)، نیت احرام حج را به عمره مفرده تبدیل کرده و از احرام خارج شده‌اند. 6- شیخ عبدالله بحرانی (م 1130ق) گفتاری مانند گفتار شیخ مفید در کتاب الارشاد، نقل کرده است (نک: البحرانی، عبد الله، 213).

7- قندوزی (م 1294ق) می‌نویسد: «بعد أن طاف وسعى وأحل من إحرامه، وجعل حجه عمرة مفردة، لانه لم يتمكن من إتمام الحج مخافة أن يبطلش به ويقع الفساد في الموسم وفي مكة، لان يزيد أرسل مع الحجاج ثلاثين رجلا من شياطين بنى أمية و أمرهم بقتل الحسين علي كل حال» (قندوزی، 59/3) یعنی: «بعد از این که امام (ع) طواف و سعی کرد، از احرام خارج شد و نیت حج خود را به عمره مفرده تبدیل کرد؛ زیرا می‌ترسید که در اثناء مناسک و در مکه فساد ایجاد شود و نتواند حج خود را به اتمام برساند؛ چون یزید سی نفر از شیاطین بنی امیه را در میان حاجیان قرار داده بود و آنان مامور بودند که به هر شکل ممکن، امام حسین (ع) را به قتل برسانند.»

از عبارت «و جعل حجه عمرة مفردة» در نقل قندوزی، چنین برداشت می‌شود که امام (ع) نیت احرام حج را به عمره مفرده تبدیل کرده و از احرام خارج شده است و از عبارت «لانه لم يتمكن من إتمام الحج» فهمیده می‌شود که امام (ع) محرم به احرام حج شده بود و خوف آن داشت که نتواند آن را به اتمام برساند؛ از این روی با تبدیل نیت، از احرام خارج شد.

براین اساس، مفاد کتابهای فوق، گویای آن است که امام (ع)، حج خود را به عمره مفرده تبدیل کرده است.

نقد و تحلیل

نگارنده در این پژوهش بر آن است که اینگونه نبوده است که امام حسین (ع) محرم به احرام عمرة تمتع شده باشد و عمره تمتع را به عمره مفرده تبدیل کرده باشد؛ همچنین، آن حضرت، محرم به احرام حج تمتع نشده تا آن را از باب حکم مصدود¹ به عمره مفرده مبدل ساخته باشد؛ بلکه امام (ع) با عمره مفرده وارد مکه شد و با طواف وداع یا عمره مفرده ماه ذی الحجة، بدون تبدیل نیت، از مکه خارج شد.

1. مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را از عمره یا حج منع کند.

بیان مطلب از منظر تاریخ

امام (ع)، پیش از حرکت از مدینه به سوی مکه، در عالم خواب از پیامبر اسلام شنیده بود که فرمود:

«یا حسین کانک عن قریب اراک مقتولاً مذبحاً بارض کرب و بلا : ای حسین! گویا به همین زودی می‌بینم که درسزمینی به نام کربلا کشته و ذبح می‌شوی (صدوق، 152، شریف قرشی، 259).

امام حسین (ع)، بیست و پنج بار خانه خدا را زیارت کرد که آخرین بار آن در سال 60 هجری بود و در سال 57 یا 58 هجری بود که در کنار جبل الرحمه دعای عرفه را انشاء فرمود.

آن حضرت در شب 27 رجب سال 60 هجری، از میقات مسجد شجره، به صورت عمره مفرده، عازم مکه شد و در سوم شعبان به مکه رسید. بعد از اعمال عمره مفرده، مکه را پایگاه خود قرار داد و ماه شعبان، رمضان، شوال، ذی القعدة و هفت روز از ذی الحجه را در مکه گذراند و مردم نیز گروه گروه با ایشان دیدار می‌کردند؛ حتی عبدالله بن زبیر، در جماعت امام شرکت می‌کرد (نک: ابومخنف، 62-68).

کوفیان پس از شنیدن ماجرای مخالفت امام با یزید، او را به عراق دعوت کردند؛ از این رو، امام (ع)، مسلم بن عقیل را در 15 رمضان سال 60، به کوفه اعزام کرد تا اگر مردم خواهان او هستند، عازم عراق شود. خطاب به او فرمود:

«وان رایت الناس مجتمعین علی بیعتی فعجل لی بالخبر حتی اعلم علی حسب ذلک: اگر دیدی که مردم در بیعت کردن با من یکپارچه‌اند، به سرعت خبر آن را به من برسان تا براساس آن اقدام کنم.»

مسلم بن عقیل، پنجم شوال به کوفه رسید و بعد از اینکه حدود 18 هزار نفر با او بیعت کردند، با فرستادن نامه‌ای به امام (ع) از حضرت خواست که سریعاً به کوفه بیاید (نک: مجلسی، 335/44).

با نزدیک شدن موسم حج که مسلمانان و حجاج گروه گروه وارد مکه می‌شدند، در آستانه روز «ترویه» آن حضرت تصمیم گرفت که به سوی عراق حرکت کند. امام (ع) قبل از حرکت، این خطابه را در میان خاندان بنی هاشم و گروهی از شیعیان خویش - که در مدت اقامت آن حضرت در مکه، بدو پیوسته بودند - بیان کرد:

«سپاس برای خداست، آنچه خداوند بخواهد همان خواهد شد و هیچ نیرویی حکمفرما نیست، مگر به اراده خداوند؛ مرگ بر انسانها لازم گردیده، همانند گردن بند که لازمه گردن دختران است، و من به دیدار نیاکانم، آنچنان اشتیاق دارم که یعقوب به دیدار یوسف اشتیاق داشت، و برای من، قتلگاهی معین شده است که در آنجا فرود خواهم آمد و گویا با چشم خود می بینم که درندگان بیابانها (لشکریان کوفه) در سرزمینی در میان نوایس و کربلا اعضای مرا قطعه قطعه و شکم‌های گرسنه خود را سیر و انبانهای خالی خود را پر می کنند. از پیش آمدی که با قلم قضا نوشته شده است، چاره و مفری نیست، بر آنچه خدا راضی است، ما نیز راضی و خوشنودیم. در مقابل بلا و امتحان الهی صبر و استقامت می‌ورزیم که اجر صبرکنندگان را به ما عنایت خواهد کرد. میان پیامبر و پاره‌های تن وی (فرزندانش) هیچ گاه جدایی نخواهد افتاد و در بهشت برین در کنار او خواهند بود؛ زیرا آنان وسیله خوشحالی و روشنی چشم پیامبر بوده و وعده او (استقرار حکومت الله) نیز، به وسیله آنان تحقق خواهد یافت».

امام (ع)، سخنانش را با این جمله پایان داد:

«الا و من كان فينا باذلاً مهجته موطناً لقاء الله نفسه فليرحل معنا فاني راحل مصباحا ان شاء الله؛ آگاه باشید! هر یک از شما که حاضر است در راه ما از خون خویش بگذرد و جانش را در راه شهادت و لقای پروردگار نثار کند، پس آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم کرد ان شاء الله» (مجلسی، 36/44؛ ابن طاووس، 52).

در اینجا توجه به چند نکته ضروری است:

1- امام (ع) از ابتدا تصمیم داشت از مکه خارج شود و از شهادت خود در کربلا، مطلع بود و در روز هشتم ذی الحجه که حجاج عازم منی و عرفات بودند، مکه را به سوی عراق ترک کردند.

2- حرکت امام از مدینه به مکه، در ماههای عمره مفرده یعنی ماههای رجب و شعبان صورت گرفته است و نه در ماههای حج، یعنی شوال، ذی القعدة و ذی الحجه.

3- امام (ع) سه روز قبل از حرکت، با ابن عباس و محمد حنفیه و دیگران گفتگوهایی داشته‌اند؛ آنان اصرار می‌کردند که امام (ع) از رفتن به عراق منصرف شود (دینوری، 243-245) آن حضرت به ابن عباس گفتند: «انی قد اجمعت المسیر فی احد یومی هذین ان شاء الله: تصمیم گرفته‌ام در این یکی دو روز، به جانب عراق حرکت کنم ان شاء الله» (ابومخنف، مقتل الحسین، 64)، همچنین امام (ع)، در روز هفتم، یعنی یک

روز قبل از حرکت، گفتند: «فانی راحل مصباحا ان شاءالله: من فردا صبح حرکت خواهم کرد ان شاءالله» از این گفتگوها فهمیده می‌شود که امام (ع)، خود را برای حج آماده نکرده است؛ بلکه مقدمات سفر به عراق را آماده کرده است.

4- با توجه به سخن امام صادق (ع) که گفته‌اند: «حسین بن علی (ع)، روز ترویبه به سوی عراق رفت؛ در حالیکه به عمره مفرده محرم شده بود»، معلوم می‌شود که امام (ع)، قصد عمره تمتع نکرده بود و تنها به خاطر احترام کعبه، عمره مفرده بجا آورده بود؛ زیرا اگر امام در ماههای حج محرم به احرام عمره تمتع شده بود، باید برای بستن احرام به یکی از مواقیت پنجگانه^۱ می‌رفت و در یکی از آن میقاتها احرام می‌بست؛ نه در ادنی الحل^۲. این مطلب، یعنی حضور در مواقیت خمس که فرسنگ‌ها از مکه فاصله دارد، نه در تاریخ آمده و نه در جوامع روایی ذکر شده است.

5- اگر امام (ع)، محرم به احرام حج شده بود، باید مانند سایر مردم در بعدازظهر روز هشتم و روز ترویبه، در مسجد الحرام، احرام می‌بست. در حالی که امام چند روز قبل از حرکت، به طور غیر رسمی و در روز هفتم به طور رسمی اعلام کرده بود که صبح هشتم عازم عراق هستم و با این اعلام جائی برای حکم مصدود^۳ باقی نمی‌ماند؛ چنین مطلبی در تاریخ یا حدیث نیامده است. چنانچه فتوای فقیهان این است که اگر کسی احرام عمره یا حج را بست و بعد از آن، دشمنی یا کسی دیگر، او را از رفتن به مکه یا رفتن به عرفات منع کند و راه دیگری نباشد، می‌تواند در همان محل که ممنوع شده، یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کرده و بعد از تقصیر، از احرام خارج شود (نک: خمینی، 458/1 و همو، مناسک حج با محشی مراجع معاصر، مسائل 1370 و 1372).

لازم به ذکر است که مبنای این فتوا، حدیث سوم و ششم باب اول از «ابواب الاحصار و الصد» جلد یازدهم وسائل الشیعه است.

1. مواقیت پنجگانه عبارت است از: مسجد شجره (مدینه)، جحفه (شام)، یلملم (یمن)، قرن المنازل (طائف)، وادی عقیق (عراق).

2. مواقیت اهل مکه و نیز میقات عمره مفرده که به ادنی الحل نامبردار است، عبارت است از: تنعیم. حدیبیه، جعرانه.

3. مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را از عمره یا حج منع کند.

18

6- آنچه از شیخ مفید و دیگران نقل شده، این است که امام (ع)، قبل از حرکت، خانه خدا را زیارت کرد و سعی بین صفا و مروه کرد و آن را عمره مفرده قرار داد و از احرام خارج شد و هیچ اشاره‌ای به قربانی کردن شتر یا گوسفند نشده است تا قرینه‌ای برای مصدود بودن باشد.

7- امام (ع)، چون عازم عراق بوده است، به احترام کعبه و حلول ماه نو (ذی الحجه)، شب یا صبح هشتم، به ادنی الحل رفته و به احرام عمره مفرده، محرم شده و قبل از حرکت به سوی عراق، اعمال خود را به اتمام رسانده و از احرام خارج شده است؛ چنانکه امام صادق (ع) با استناد به فعل امام حسین (ع) بیان داشته‌اند: «ولا بأس بالعمرة فی ذی الحجة لمن لا یرید الحج» و در عبارت دیگر می‌فرماید: «وقد اعتمر الحسین (ع) فی ذی الحجة» که به زودی در باره آن سخن خواهیم گفت.

8- دقت در گفتار ابومخنف کوفی (م 157 ه. ق)، از مورخان مشهور شیعه، قول ما را تأیید می‌کند. أبو مخنف به سند خود از عبدالله بن سلیم و المذری بن المشمعل الاسدیین که به عنوان حج از کوفه به مکه آمده بودند، نقل می‌کند که گفتند: فطاف الحسین بالبیت و بین الصفا والمروة وقص من شعره وحل من عمرته ثم توجه نحو الکوفة وتوجهنا نحو الناس إلی منی (ابومخنف، مقتل الحسین (ع)، 66) یعنی: «حسین (ع) بر گرد خانه خدا و بین صفا و مروه طواف کرد و کمی از موی خود را چید و از عمره خود بیرون آمد. آنگاه به سوی کوفه روان شد و ما همراه مردم به منا رو کردیم».

ابن جریر طبری (م 310 ه. ق) نیز روایت ابومخنف را در کتاب خود آورده است (طبری، 289/4) چنانکه که ملاحظه می‌شود، در روایت ابومخنف هیچ اشاره‌ای به تبدیل حج به عمره مفرده نشده است.

بیان مطلب از منظر روایات

روایت اول، صحیحۀ ابراهیم بن عمر الیمانی از امام صادق (ع) است؛ بدین قرار: «أنه سئل عن رجل خرج فی أشهر الحج معتمراً ثم خرج إلی بلاده؟ قال: لا بأس وإن حج من عامه ذلك وأفرد الحج فلیس علیه دم، و إن الحسین بن علی (ع) خرج یوم الترویة إلی

العراق وکان معتمراً^۱ (کلینی، 535/4؛ طوسی، 327/2). یعنی: «از امام صادق (ع) درباره کسی سوال شد که در ماههای حج، عمره مفرده به جا آورده، سپس به شهر خود بازگشته است. امام فرمود: جایز است و اگر در همان سال حج بجا آورد و حج افراد انجام دهد بر او قربانی واجب نیست و در ادامه گفتند: حسین بن علی (ع) روز ترویبه به سوی عراق رفت؛ درحالیکه به عمره مفرده محرم شده بود.

حدیث دوم صحیحه یا مصححه معاویه بن عمار است؛ به این صورت: «قال: قلت لابی عبدالله (ع): من این افترق المتمتع و المعتمر؟ فقال: «إن المتمتع مرتبط بالحج و المعتمر إذا فرغ منها ذهب حيث شاء وقد اعتمر الحسين (ع) فی ذی الحجة ثم راح یوم الترویة إلى العراق والناس یروحون إلى منی، ولا بأس بالعمرة فی ذی الحجة لمن لا یرید الحج^۲». (کلینی، 535/4؛ طوسی، 328/2) یعنی: «معاویه بن عمار می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم فرق عمره تمتع و مفرده چیست؟ امام فرمود: عمره تمتع با حج مرتبط است و کسی که عمره مفرده را انجام می دهد هنگامی که آن را به پایان رساند، می تواند به هر جا که بخواهد برود و امام حسین (ع) در ذی الحجه عمره مفرده بجا آورد؛ سپس در روز ترویبه، به عراق رفت؛ در حالی که مردم به سوی منا می رفتند و کسی که نمی خواهد حج به جا آورد، جایز است که در ماه ذی الحجه، عمره مفرده انجام دهد.

۱. این روایت با دو سند آمده است یکی طریق شیخ طوسی (در کتاب الاستبصار، 327/2) است که از این طریق روایت صحیح می باشد زیرا شیخ طوسی، روایت را اینگونه آورده است: عن علی بن ابراهیم عن ابیه (ابراهیم بن هاشم) عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر الیمانی ... که همه این روایات از ثقات شیعه هستند دوم طریق شیخ کلینی (در کتاب الکافی، 535/4) است که از یک جهت معتبر و از جهت دیگر صحیح می باشد، جهت معتبر بودن روایت، وجود محمد بن اسماعیل است (محمد بن اسماعیل نیشابوری) که اعتبار روایت او مورد اختلاف است. طریق شیخ کلینی اینگونه است: عن علی بن ابراهیم عن ابیه (وعن محمد بن اسماعیل) عن فضل بن شاذان عن حماد بن عیسی عن ابراهیم بن عمر. یعنی اگر مروی عنه علی بن ابراهیم بن هاشم، محمد بن اسماعیل بدانیم حدیث معتبر است و اگر مروی عنه او ابراهیم هاشم از فضل بن شاذان باشد، حدیث صحیح است.

۱. صحیح بودن این روایت از آن جهت است که شیخ کلینی در (کتاب الکافی، 535/4) و شیخ طوسی در (کتاب الاستبصار، 328/2) روایت را اینگونه آورده اند: عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن اسماعیل بن مرار عن یونس (بن عبد الرحمان) عن معاویه بن عمار ... با توجه به اینکه مروی عنه اسماعیل بن مرار یونس بن عبد الرحمان است، روایت او تلقی به صحیح شده است.

20

این دو روایت که از نظر سند صحیح است، به طور صریح، دلالت می‌کند که امام حسین (ع) در ماه ذی الحجه به عمره مفرد محرم شده و آن را به اتمام رسانده است و هیچ دلالتی بر تبدیل نیت ندارد.

رأی فقیهان

در ادامه بحث و به عنوان حسن ختام، لازم است به رأی فقیهان که متکی بر روایات صحیح است، اشاره کنیم:

1- سید محسن حکیم در کتاب مستمسک العروة می‌نویسد:

"وأما ما فی بعض كتب المقاتل: من أنه (ع) جعل عمرته عمرة مفردة، مما يظهر منه أنها كانت عمرة تمتع وعدل بها إلى الافراد. فليس مما يصح التحويل عليه فی مقابل الاخبار المذكورة التي رواها أهل الحديث» (حکیم، 192/11) یعنی: «باتکيه بر آنچه در بعضی از کتاب‌های مقاتل آمده است که امام (ع) عمره خود را عمره مفرده قرار داد یعنی محرم به عمره تمتع شده بود و نیت خود را به مفرده تبدیل کرد، در برابر دلالت احادیثی که محدثان نقل کرده‌اند، صحیح نیست.»

همانطور که ملاحظه می‌شود، حکیم، روایات را بر نقل تاریخ ترجیح می‌دهد و قول تبدیل نیت از عمره تمتع به مفرده را نمی‌پذیرد.

2- مرحوم آیه الله خوئی در کتاب الحج می‌گوید:

«قد دل بعض النصوص المعتبرة على جواز الخروج حتى يوم التروية مثل صحيحة ابراهيم بن عمر اليماني، و في الرواية وان لم يصرح بجواز الخروج يوم التروية و لكن يظهر من استشهاد الصادق (ع) بقضية خروج الحسين (ع) ان ذلك من باب تطبيق الكبرى على الصغرى وان خروجه (ع) يوم التروية كان جائزا في نفسه، واستشهاده بفعل الحسين (ع) دليل على جواز الخروج سواء كان الحسين (ع) مضطرا كما في كتب المقاتل والتواريخ أم لا. وأوضح من ذلك دلالة معتبرة معاوية بن عمار والحاصل: لاريب في ان الاستفادة من الخبرين ان خروج الحسين (ع) يوم التروية كان على طبق القاعدة لا لاجل الاضطرار ويجوز ذلك لكل أحد وان لم يكن مضطرا» (خوئی، کتاب الحج، 236/2).

مضمون گفتار آیه الله خوئی این است که خارج شدن از مکه در روز ترویبه جایز است و استشهاد امام صادق (ع) به قضیه خروج امام حسین (ع)، دلیل بر جواز خروج از مکه در روز ترویبه است و این استشهاد از باب تطبیق کبری بر صغری است. همچنین

مستفاد از خبر ابراهیم بن عمریمانی و معاویه بن عمار این است که خروج امام حسین (ع) در روز ترویه، بر طبق قاعده بوده است؛ نه به سبب اضطرار که در کتاب‌های تاریخی و مقاتل آمده است.

3- آیه الله گلپایگانی در کتاب *تقریرات البیع* می‌نویسد:

" وظاهر الروایة (صحيحة معاوية بن عمار) أن فعل الحسين (ع) كان لاجل جواز الخروج من مكة في أيام الحج بعد الفراغ من العمرة المفردة لا أنه صدر ذلك منه عليه السلام لاجل الضرورة بقريظة ذيل الرواية المصريح بجواز الخروج في ذى الحجة بعد العمرة لمن لا يريد الحج فان قوله (ع): ولا بأس بالعمرة الخ مراده أنه يجوز له الاكتفاء بالعمرة و الخروج من مكة و لا يلزمه الاتيان بالحج بأن كان في ذى الحجة (گلپایگانی، 355/1).

4- مضمون گفتار مرحوم محقق نجفی در *جواهر الکلام* و محقق بحرانی در *الحدائق* و محقق سبزواری در *ذخیره المعاد* و آیت الله حکیم و آیت الله خوئی و آیت الله گلپایگانی این است که مستفاد از ظاهر روایت معاویه بن عمار، خروج امام حسین (ع) از مکه به عراق در روز ترویه از باب اضطرار نبوده است؛ بلکه از باب جواز خروج در ایام حج می‌باشد (نک: نجفی، 461/20؛ بحرانی، 336/16؛ سبزواری، 697/1).

گرچه فاضل هندی در *کشف اللثام* و محقق طباطبائی در *ریاض المسائل*، آن را حمل بر ضرورت کرده‌اند (نک: فاضل هندی، 386/1؛ طباطبائی، 177/7).

نتیجه

نقل‌های تاریخی، از حیث سند، مورد بررسی کارشناسان دانشمندان رجال قرار نمی‌گیرد و معمولاً مستند به قول معصوم نیست و در اصطلاح علم درایه آن را مقطوع می‌نامند و نزد محدثان شیعه و غالب اهل سنت، به جهت عدم اتصال سند به معصوم ضعیف شمرده می‌شود.

روایات جوامع حدیثی که هم سخن معصوم است و هم سند آن مورد بررسی کارشناسان دانشمندان رجال قرار می‌گیرد، در صورتی که از نظر علم رجال و علم درایه معتبر باشد، حجت است و تکیه گاه و مستند قول فقیهان قرار می‌گیرد.

استناد به عمل امام حسین (ع) به عنوان یک سنت عملی، قاعده‌ای فقهی است و از ظاهر کلام فقهاء استنباط می‌شود که هیچ فقیهی از قدماء و متاخرین و معاصرین،

22 تبدیل حج تمتع و افراد به عمره مفرده را جایز نمی‌داند و عدم جواز، به معنای بی- اعتبار بودن قول شهرت یافته می‌باشد.

به نظر نگارنده، امام حسین (ع) محرم به احرام حج نبوده تا آن را به عمره مفرده تبدیل کرده باشند؛ همچنین، محرم به احرام حج تمتع نشده بودند تا آن را از باب حکم مصدود به عمره مفرده مبدل کرده باشند. بلکه امام (ع) با عمره مفرده وارد مکه شده و با عمره مفرده ماه ذی الحجه از مکه خارج شده است؛ چنانکه از روایات ابراهیم بن عمر یمانی و معاویه بن عمار به صراحت استفاده می‌شود.

فهرست منابع

1. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر بن محمد، *اللهور فی قتلی الطفوف*، چاپ مهر، قم، 1417 هـ.ق؛
2. ابومخنف، لوط بن یحیی بن سعید، *مقتل الحسین (ع)*، مطبعه العلمیه قم، 1398 هـ.ق؛
3. اردبیلی، محمد علی، *جامع الرواة*، مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران، بی تا؛
4. بحرانی، یوسف، *حدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، موسسه نشر اسلامی، قم، بی تا؛
5. بحرانی، عبدالله، *کتاب العوالم الامام الحسین (ع)*، مدرسه امام مهدی مطبعه امیر، قم، 1407 هـ.ق؛
6. تراپی، علی اکبر، *الموسوعة الرجالية المیسرة او معجم الرجال الوسائل*، تحت اشراف؛
7. حرعاملی، عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، تحقیق مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث قم، 1414 هـ.ق؛
8. حکیم، سید محسن، *مستمسک العروة*، نشر مکتبه السیدمرعشی، قم، 1404 هـ.ق؛
9. خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، موسسه مطبوعاتی اسماعیلی، قم، 1396 هـ.ق؛
10. همو، مناسک حج با حواشی مراجع معظم تقلید، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج، 1382؛
11. خوئی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، مدینه العلم، بیروت، لبنان، 1403 هـ.ق؛

12. همو، المعتمد، کتاب الحج CD، اصدار الثالث للکلبایگانی؛
13. همو، المعتمد فی شرح المناسک، مقررالسید رضا الخلیالی، مدرسه دارالعلم، قم، 1410 هـ.ق؛
14. دینوری، احمد بن داود، الاخبار الطوال، منشورات شریف رضی، مطبعة الامیر، قم، 1368 هـ.ق؛
15. سبزواری، محمدباقر، ذخیرة المعاد فی شرح الارشاد، مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، قم، بی تا؛
16. شریف قرشی، باقر، حیاة الامام الحسین (ع)، مطبعة الآداب، نجف الاشرف، 1334 هـ.ق؛
17. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، مؤسسه نشر اسلامی، قم، 1415 هـ.ق؛
18. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، قم، بی تا؛
19. طبری، ابن جریر، تاریخ الامم و الملوک، مؤسسه الاعلمی بیروت، بی تا؛
20. طوسی، شیخ محمد بن الحسن، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، دارالصعب - دارالتعارف، بیروت، 1401 هـ.ق / 1981 م؛
21. همو، رجال الطوسی، مکتبة الحیدریه، النجف الاشرف، 1380 هـ.ق؛
22. همو، الفهرست، مکتبة الحیدریه، النجف الاشرف، 1380 هـ.ق؛
23. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، الامالی، الاسلامیه، تهران، 1404 هـ.ق؛
24. عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، مؤسسه نعمان، بیروت، 1401 هـ.ق؛
25. فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن بن محمد، کشف اللثام، منشورات آیت الله نجفی، قم، 1405 هـ.ق؛
26. فتال نیشابوری، محمد بن احمد بن علی، روضة الواعظین، منشورات رضی، قم، بی تا؛
27. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لنوی القریبی، دار الاسوة للطباعة و النشر؛
28. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، صححه وعلق علیه علی اکبر الغفاری، دار الکتب الاسلامیه، طهران؛

24. 29. گلبایگانی، سید محمد رضا، *تقریرات البیع* CD، اصدار الثالث للکلبایگانی؛
30. همو، *الاحصار والصد* CD، اصدار الثالث للکلبایگانی؛
31. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، موسسه وفاء، بیروت، 1403 هـ.ق؛
32. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، 1399 هـ.ق؛
33. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، موسسه نشر اسلامی، 1404 هـ.ق؛
34. نجفی، محمد حسن بن باقر، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1405 هـ.ق.

Bibliography

1. Ibn Tawus, Ali ibn Musa, *al-Luhuf fi Qatla al-Tufuf*, Mehr publications, Qum, 1417 A.H;
2. Bahrani, Yusuf, *al-Hadai'q al-Nadira fi Ahkam al-'Itra al-Tahira*, Muassese-i Nashr -i Eslami, Qum, n.d;
3. Khumeini, Ruhullah, *Tahrir al-Wasila*, Muassesse -i Matbuat - i Esmaili, Qum, 1396 A.H;
4. Khu'i, Sayyid Abu al-Qasim, *Mu'jam Rijal al-Hadith*, Madina al-Ilm, Beirut, 1403 A.H;
5. Dinavari, Ahmad ibn Dawud, *al-Akhbar al-Tiwal*, Razi Publications, Qum, 1368 A.H;
6. Tabrisi, Fadl ibn Hasan, *I'lam al-Wara bi Alam al-Huda*, Muassasa Al al-Bayt, Qum, n.d;
7. Tabari, Ibn Jarir, *Tarikh al-Umam wa'l Muluk*, Muassasa al-A'lami, Beirut, n.d;
8. Tusi, Muhammad ibn Hasan, *al-'Istibsar fi Ma' khtulifa min al-Akhbar*, Dar al-Taaruf, Beirut, 1981;
9. Saduq, Abu Jafar Muhammad, *al-'Amali*, Eslamiyya publications, Tehran, 1404 A.H;
10. Qunduzi, Sulayman, *Yanabi al-Mawadda li Dhawi al-Qurba*, Dar al-Uswa li't Tiba'a wa'l Nashr;
11. Kulayni, Muhammad ibn Yaqub, *al-Kafi*, Dar al-Kutub al-Islamiyya, Tehran;
12. Majlisi, M.B, *Bihar al-Anwar*, Muassasa al-Wafa' Beirut, 1403 A.H;
13. Mufid, Muhammad ibn Muhammad, *al-Irshad*, Muassasa al-A'lami, Beirut, 1399, A.H;
14. Najashi, Ahmad, *Rijal al-Najashi*, Muassesse-i Nashr-i Eslami, 1404 A.H;

15. Najafi, M.H, *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam*, Dar al-Kutub al-Islamiyya, Tehran, 1405 A.H.

